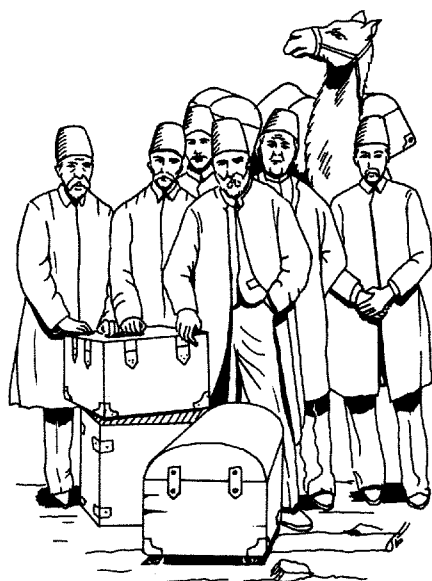


# حج‌گزاری ایرانیان

## در دوره قاجار (۱)



رسول جعفریان

### مقدمه

در فقه اسلامی، انجام عمل حج برای هر مسلمان - که توان مالی و جسمی انجام آن را داشته باشد - یک بار در عمر واجب است.

حج، در دو بخش انجام می‌شود:  
۱- حاجی تا پیش از فرارسیدن روز نهم ماه ذی‌حجه، در طول ماه ذی‌قعدة و ذی‌حجه، باید «عمرة تمتع» انجام دهد و از مکه خارج نشود تا نوبت بخش دوم اعمال برسد. ۲- از روز نهم ذی‌حجه؛ یعنی روز عرفة بخش دوم آغاز می‌شود؛ یعنی حاجی، عصر روز عرفة - از ظهر تا غروب - را در عرفات می‌ماند یا به اصطلاح «وقوف» می‌کند. بخشی از شب

دهم را در مشعرالحرام توقف کرده و از صبح روز دهم ذی‌حجه که عید قربان است، تا روز دوازدهم، در صحرای منا می‌ماند، یا به اصطلاح دو شب را در آنجا «بیتوته» می‌کند. در این سه روز، رمی جمرات و قربانی می‌کند و سر خود را می‌تراشد یا کوتاه می‌کند. در این بین یا بعد از روز دوازدهم، به مکه برمی‌گردد و اعمال باقی‌مانده خود را شامل طواف، نماز طواف، سعی صفا و مروه و طواف نساء تمام می‌کند و بدین‌سان، بخش دوم نیز که «حج تمتع» است پایان می‌یابد.

درست است که انجام حج، در عمر یک مرتبه واجب می‌شود؛ اما هر شخصی می‌تواند حج مستحبی نیز به جا آورد که

همان اعمال پیشگفته را انجام می دهد.

همچنین می تواند به نیابت از افرادی که حج بر آنان واجب بوده و انجام نداده اند، به حج مشرف شود. زائران خانه خدا در هر سفر، بیشتر کسانی هستند که برای انجام «حج تمتع» عازم می شوند.

زائران، پیش یا پس از اعمال حج، مدینه را هم زیارت می کنند. این زیارت گرچه واجب نیست و ربطی به اعمال حج ندارد، اما تقریباً در هیچ موردی ترك نمی شود.

گفتنی است در اعمال حج، هیچ تفاوتی میان مذاهب اسلامی وجود ندارد و به جز در برخی از احکام فرعی، تمام مذاهب اسلامی به طور مشترك و در زمان تعیین شده، این اعمال را برگزار می کنند. به همین دلیل، انجام این فریضه برای ایرانیان نیز که از همان قرون نخست ظهور اسلام، آن را پذیرفتند، امری رایج بوده و انجام این سفر در فرهنگ دینی آنان، به طور طبیعی نهادینه شده است. روزگاری که ایرانیان بر مذهب سنت بودند و زمانی که به مذهب تشیع در آمدند و در همه ادوار، برای انجام این فریضه، راه طولانی این سفر را طی کرده

و اعمال حج را انجام می داده اند.

درست است که سفر حج، سفری شیرین و پرجاذبه بوده و هست، لیکن با این حال، به دلیل دشواری های فراوانش، پر ماجرا و خاطره ساز بوده و خاطرات تلخ و شیرینش، برای همه نسل ها جالب توجه و خواندنی است. در هر زمان، نسل جدیدی که اراده و عزم سفر حج داشت، نیازمند تجربه های پیشینیان و پیرمردان بود و از این جهت، نوعی حافظه تاریخی مداوم از این سفر، در ذهنیت جامعه اسلامی پایدار مانده است.

دشواری های سفر حج، بیشتر در طی مسیر سفر بوده است. این مشکلات، افزون بر مشکلات طبیعی و جغرافیایی، ناشی از آزار و اذیت ساکنان اعرابی مسیر بوده است. به علاوه، رویارویی زائران عجم شیعه با حجاج سنی و ساکنان عرب آن نواحی هم دشواری هایی را پدید می آورده است. این دشواری ها، گاه چنان تصویر سختی از این سفر به دست می داد که به طور عادی، به ویژه در برخی سال ها و دوره ها، انجام آن کاری معقول نمی نمود.

در برابر، شیرینی انجام فریضه حج و حضور در مسجدالحرام و مسجدالنبی



پیوسته با کجاوه راه پیموده و به منزل رسیده است، باید به استراحت بپردازد، لیکن «براق عشق، بند و رَسَن را پاره کرده، شعله آتش شوق قوت گرفته» همان وقت به سمت حرم حرکت می‌کند.<sup>۲</sup>

فهاد میرزا نیز که اسیر این خار مگیلان شده، یاد شعر «حافظ» افتاده که گفته است:

در بیابان چون به یاد کعبه خواهی زد قدم  
سرزنش‌ها گر کند خار مگیلان غم مخور<sup>۳</sup>

فراهانی هم پس از انجام اعمال حج، این شعر را سروده است:

در طی ره عشق اگر رنج کشیدیم  
المنَّة لله که به مقصود رسیدیم<sup>۴</sup>

زائر دیگری که با نگاه به کعبه، آتش شوق و اشتیاق از وجودش شعله‌ور شده و البته مشکلات راه را نیز پس از چندین ماه پشت سر گذاشته، می‌گوید:

چو خوش بُد کعبه گر رفتن نمی داشت  
چو رفتن داشت برگشتن نمی داشت<sup>۵</sup>

همین زائر وقتی به چند فرسنگی مدینه می‌رسد، از حرکت کاروان چنین یاد می‌کند:

و عرفات و مشعر و منا و همچنین زیارت قبور امامان علیهم السلام چنان بر مذاق حاجیان خوش می‌آمد که بدون تردید، اگر این دشواری‌ها نبود، بسیاری از آنان نه یک بار که بارها به این سفر می‌رفتند؛ چنان که برخی با وجود این مشکلات، چنین می‌کردند. این شیرینی برای یک مسلمان معتقد کاملاً قابل درک است.

روحیه زائران در زمان انجام اعمال، آنگونه که در خاطراتشان منعکس شده، نشانگر عمق لذتی است که یک زائر در آن زمان تجربه می‌کرده است. زائر در آن لحظات، به طور معمول، نوعی تجربه عرفانی را در خود مشاهده و احساس می‌کرد؛ تجربه‌ای که نمودی از آن را می‌توان در مطالبی که در برخی از سفرنامه‌ها آمده، مشاهده کرد.

زائری که راه سفر را در میان خار مگیلان می‌پیمود، با دیدن کعبه، آنچنان احساس شادی و لذت می‌کرد که «خار مگیلان» را «گل نسرین» به حساب می‌آورد:

یا رب این کعبه مقصود تماشاگه کیست  
که مگیلان طریقهش گل نسرین من است<sup>۱</sup>

زائری که بیست و چهار ساعت،

پس آنکه با وقار و با سکینه  
روان گشتند تا شهر مدینه  
دو فرسخ همچو صرصر می‌دویدند  
نه با پا بلکه با سر می‌دویدند! <sup>۶</sup>

همانگونه که پیشتر گفتم همه  
خاطرات حج شیرین نبوده است. یک  
زائر در طول مسیر و در دورانی که  
روزگار را در این دو شهر سپری می‌کرد،  
با مسائل گوناگونی درگیر می‌شد. این  
مسائل در دوره‌های مختلف، از جهاتی به  
یکدیگر شباهت داشته و به تناسب  
عوض شدن اوضاع و احوال، نوعی  
دگرگونی در آنها پدید می‌آمد. می‌توان  
تصوّر کرد که در دوره قاجاریه، به ویژه  
نیمه دوّم آن، که اطلاعات ما از آن بیشتر  
است، حجاج ایرانی وضعیت مشابهی را  
پشت سر نهاده‌اند؛ ما چگونگی این  
مشکلات را طی عناوین خاصی، به  
بررسی خواهیم گذاشت.

درباریان، دبیران و عالمان نوشته شده  
است. تعداد این سفرنامه‌ها بالغ بر سی  
عنوان است که بیش از نیمی از آنها به  
چاپ رسیده و در دسترس عموم است.  
گفتنی است در میان دهها سفرنامه‌ای که  
در دوره قاجاری در گزارش سفر حج  
نوشته شده، تنها چند نمونه به طور  
عمومی شناخته شده است که از آن جمله  
می‌توان به «سفرنامه فرهاد میرزا»  
(۱۲۹۲) و «سفرنامه نایب‌الصدر  
شیرازی» (۱۳۰۵) اشاره کرد. با اعتراف به  
این که این دو نمونه سفرنامه، حاوی  
آگاهی‌های ارجمندی از سفر حج بوده و  
مطالب خواندنی فراوان دیگری در آنها  
آمده است. باید گفت، سایر سفرنامه‌های  
این دوره، هر یک به فراخور دانش و حال  
و هوای مؤلف، مشتمل بر مطالب  
ارزشمندی از این سفر؛ اعم از آگاهی‌های  
دینی، تاریخی و اجتماعی است.

بسیاری است به یمن این  
سفرنامه‌هاست که ما امروزه می‌توانیم  
گزارش نسبتاً جامعی از حج‌گزاری  
ایرانیان در دوره قاجاری در اختیار داشته  
باشیم. این افزون بر اطلاعات جغرافیایی  
است که در باره شهرهای ایران و عراق و  
شام و نیز مکه و مدینه در این قبیل آثار

### منابع

برای شناخت آیین حج‌گزاری  
ایرانیان در دوره قاجاری (۱۲۱۰ - ۱۳۴۳  
قمری) مهم‌ترین منبع، سفرنامه‌های  
حجّی است که در این دوره توسط



تأثیر گذاشت و ادبیات نوینی را در این زمینه پدید آورد؛ ادبیاتی که می‌توان آن را «ادبیات سفرنامه نویسی» نام نهاد. سفرنامه‌های این دوره، برخی گزارش سفر به اروپا و هند است.<sup>۹</sup> برخی دیگر، گزارش سفرهای زیارتی به عتبات در عراق که کسانی مانند خود ناصرالدین شاه نیز در این زمینه تألیف دارند.<sup>۱۰</sup> برخی هم مربوط به سفرهای داخلی در ایران است که این بخش بسیار گسترده بوده و حاوی اطلاعات بسیار با ارزشی است. در این میان، سفرنامه‌های حج که گزارش سفر به حجاز است، حجم قابل ملاحظه‌ای از نوشته‌های سفرنامه‌ای این دوره را تشکیل می‌دهد که شمار زیادی از آنها، منبع نوشته حاضر است.

چیزی که در باره سفرنامه‌های موجود گفتنی است، آن است که، مؤلفان هر یک از این سفرنامه‌ها، از منظری خاص به مسائل و رخدادها نگریسته و نکات ویژه‌ای را مورد توجه قرار داده‌اند. انتخاب ما، تنها شامل نکاتی می‌شود که به نوعی به حج‌گزاری ایرانیان مربوط است؛ یعنی نشان دادن این که ایرانیان چگونه سفر می‌کرده‌اند، با چه مشکلاتی روبرو بوده‌اند و اصولاً چه نظامی برای

آمده و لازم است که به گونه‌ای عالمانه طبقه‌بندی شود تا بهتر مورد استفاده قرارگیرد.

می‌توان گفت در دوره قاجاری، به ویژه از سال ۱۲۶۰ هجری به این سو، سفرنامه نویسی یا به اصطلاح آن روزگار «روزنامه سفر» به طور جدی در دستور کار فرهیختگان عصر قاجاری که عشق به تألیف و نگارش داشتند، قرار گرفته است. این حرکت، به پیروی از آثار مشابهی بوده است که برخی از غربیان، از قرن چهاردهم میلادی به این سو، تحت عنوان «سفرنامه» نوشته و به مرور در هند و ایران در دسترس ایرانیان قرار گرفته است. برخی از این سفرنامه‌ها که به نوعی به ایران مربوط می‌شد، سخت مورد علاقه درباری‌های ایران قرار داشت.<sup>۷</sup> آگاهی که سفرنامه‌های اروپایی در دوره صفوی، در باره ایران و هند و به طور کلی، آسیا تا چه اندازه گسترده بوده است. این آثار به ویژه در دوره ناصری، در اختیار درباریان ایران قرار گرفت و به همین دلیل است که نسخه‌های فراوانی از آنها در کتابخانه ملی ایران موجود می‌باشد.<sup>۸</sup> طبعاً این حرکت فرهنگی، به نوعی در میان چهره‌های دانشی ایران

اداره حج از سوی ایران و ایرانیان وجود داشته است. این قبیل آگاهی‌ها، در برخی از سفرنامه‌ها به صورت مستقیم مطرح شده است؛ در حالی که در برخی دیگر، تنها با اشاره از این قبیل مسائل یاد شده است.

این نیز گفتنی است که سفرنامه‌نویسان از کارهای یکدیگر آگاهی داشته‌اند. برای مثال امین‌الدوله می‌نویسد که چون شرح ابنیه مدینه در سفرنامه‌های دیگر مندرج است، این قبیل مطالب را در اینجا تکرار نمی‌کنم.<sup>۱۱</sup> وی به خصوص از متن چاپی سفرنامه نایب‌الصدر یاد کرده و این که وی در آنجا شرحی از ظلم قونسول ایران در جدّه را در حق زوّار یادآور شده است.<sup>۱۲</sup> همو از شخصی به نام حسام‌العلما نقل کرده که در حال نوشتن «احوال و سفرنامه» خودش بوده و بنا دارد به محض «ورود به استانبول طبع و نشر» کند. امین‌الدوله که او را بی‌سواد می‌داند، از این مسأله خشمگین شده، می‌نویسد: «مصمم شدم که دیگر روزنامه سفر را ننویسم و اگر بنویسم خیلی مختصر باشد و به دست هیچ کس نیفتد.»<sup>۱۳</sup>

برخی از سفرنامه‌ها به هدف آگاه

کردن حجاج از مشکلات راه و برخی به هدف ارائه گزارش به دربار بوده است. میرزا عبدالغفار نجم‌الملک، منجم باشی ناصرالدین شاه در سفرنامه‌اش که آن را در سال ۱۳۰۶ نوشته است، تکیه‌اش روی برخورد بدی است که در عربستان با حجاج عجم شده است. وی در جایی امیر جبّال را که سخت به حجاج صدمه می‌رساند، تهدید کرده است که «اگر اجل مهلت داد، مراتب سوء سلوک شما را در تقویم چاپی مندرج خواهد نمود و به عرض اولیای دولت خواهد رسانید.»<sup>۱۴</sup> گذشت که سفرنامه نویسی از حدود سال ۱۲۶۰ هجری به این سو جدی‌تر شده است. یکی از کهن‌ترین این سفرنامه‌ها، «سفرنامه حاج علی خان اعتماد السلطنه» است که در سال ۱۲۶۳ انجام شده و در کنار «سفرنامه محمد ولی میرزا» (در سال ۱۲۶۰) پسر عباس میرزا و سفرنامه بروجردی با عنوان «بزم غریب» (در سال ۱۲۶۱) در ردیف نخستین سفرنامه‌های حج است که در دوره قاجاری تألیف شده و ما از آنها آگاهییم. اعتماد السلطنه که به همراه مهد علیا، مادر ناصرالدین شاه و آصف‌الدوله به حج سفر کرده، اطلاعات تاریخی



فرهاد میرزا - سیاستمدار مشهور دوره قاجاری که در سال ۱۲۹۷ انجام گرفته، به لحاظ شرحی که در باره اماکن تاریخی دارد و در باره بسیاری از آنها به طور مستقل مطالبی آورده، قابل توجه است. این قبیل مطالب از کتاب‌هایی که همراه وی بوده و یا بعداً برای تکمیل سفرنامه از آنها استفاده کرده، بر متن افزوده شده است.

در میان سفرنامه‌های موجود، «سفرنامه فراهانی» که در سال ۱۳۰۲ انجام شده، اطلاعات بسیار جالبی از حج‌گزاری ایرانی‌ها و حتی غیر ایرانی‌ها دارد و از این جهت واقعا ممتاز است. وی به تفصیل در باره حجاج کشورهای مختلف و چگونگی آمدن آنها و حتی مذهبشان سخن گفته است. از نظر شرح اماکن تاریخی نیز سفرنامه فراهانی، حاوی اطلاعات جالب و متمایز است. وی بسیاری از سنگ‌نبشته‌ها را که نام بانی بناهای مذهبی و تاریخ آنها را داشته، آورده است. وی تصویری هم از مسجد الحرام کشیده است.<sup>۱۶</sup>

«سفرنامه مخبرالسلطنه» که در سال ۱۳۲۱ نوشته شده، به لحاظ سفر دور دنیا اهمیت فراوانی دارد. اطلاعات آن در باره

جالبی از حج‌گزاری ایرانیان و سایر مسلمانان آورده و به ویژه در باره شهرها و نیز دولت عثمانی آگاهی‌های تاریخی به دست داده است.

مشهورترین این سفرنامه‌ها، «سفرنامه فرهاد میرزا» معتمد الدوله - فرزند عباس میرزا - از سیاستمداران و عالمان خاندان قاجاری است که جدای از این اثر، آثار علمی و تاریخی دیگری هم از وی برجای مانده است. وی که اهل علم و دانش بوده، آگاهی‌های مفصلی از ابعاد مختلف حج، از فقه و تاریخ به دست داده و سفرنامه خود را غنی کرده است. وی از جمله کسانی است که در جستجوی اماکن تاریخی به هر گوشه‌ای سرزده و با توجه به اطلاعاتی که از کتابهای تاریخی معروفی مانند «خلاصة الوفاء» به دست آورده، یک یک مساجد مدینه را زیارت کرده، آگاهی‌هایی در باره آنها داده و حتی نقشه‌ای هم برای حرم پیغمبر ﷺ و مسجد النبی کشیده است.<sup>۱۵</sup> همو با توجه به دانش و موقعیت خود، برخی از کتیبه‌های موجود مسجد را خوانده و در کتابش ثبت کرده است.

«سفرنامه حسام السلطنه» - برادر

است. به همین دلیل، اطلاعات جامعی در باره حج‌گزاری ایرانیان و دشواری‌های این سفر در این اثر آمده است. وی شرحی از راه جَبَل و کارهای ناپسند حمله داران بیان کرده و بعد می‌نویسد: مقصود از این مطالب این است که اقلأً هر کس یکی از اهل ولایت خودش یا شخص معتبری را به دست داشته باشد که موجب صدمه و اذیت نگردد و در راه معطل و حیران نماند.<sup>۱۹</sup> وصف وی از مسجد النبی و شرح کتیبه‌ها و آثار آن نیز جالب توجه است. این اقدام او به ویژه ثبت اشعار ترکی بقاع بقیع و جز آن، بسیار مغتنم است.

«سفرنامه میرزا داود وزیر وظایف» نیز که در سال ۱۳۲۲ انجام شده، سفرنامه‌ای با محتوا و ارجمند است. توضیحات این سفرنامه در باره حج‌گزاری ایرانیان جالب توجه و به لحاظ وصف اماکن تاریخی مخصوصاً شرحی که از مصلاهای مذاهب چهارگانه در مسجد الحرام داده، جالب توجه است. در این نوشته، از بیست سفرنامه قاجاری استفاده شده است که در جمع، از بهترین و مشهورترین سفرنامه‌های موجود است. از آنجا که اعمال حج در

مکه و مدینه نیز مفید بوده و به احتمال نزدیک به یقین می‌توان گفت نخستین سفرنامه فارسی است که در آن، عکس‌هایی از اماکن تاریخی آن بلاد چاپ شده است. در این کتاب یک نقشه نیز چاپ شده است.<sup>۱۷</sup>

«امین الدوله»، شخصیت سیاسی مشهور این دوره، که پس از سلطنت مظفرالدین شاه یک-دو سالی صدر اعظم وی بود، سپس عزل گردید و امین السلطان به جای او نشست، در سال ۱۳۱۶ سفری به مکه داشته و گزارش آن را نگاشته است. این سفرنامه به لحاظ آن که از دید شخصیتی چون امین‌الدوله است که خود را علاقه‌مند به اصلاحات نشان می‌داد، قابل توجه و خواندنی است.

«سفرنامه سیف الدوله»، تقریباً از نظر ارائه اطلاعات در باره حج‌گزاری ایرانیان، بسیار فقیر است. در زمینه‌های دیگر نیز کمتر نکته تازه دارد. به عکس آن، «سفرنامه نایب‌الصدر» بسیار لطیف و مملو از نکات دینی و اخلاقی است. وی به خصوص در مواردی، هدفش را از نوشتن سفرنامه، راهنمایی حجاج بعدی عنوان می‌کند،<sup>۱۸</sup> و این نکته قابل توجهی





دولت شرفای علوی قدرت داشت و شریف وقت حجاز به طور معمول، چه برای کسب درآمد بیشتر و چه به انگیزه‌های مذهبی و نسبی، می‌کوشید تا با ایرانیان روابط بهتری داشته باشد.

فراهانی (در سال ۱۳۰۲) از مناسبات خوب شریف عون با ایرانیان سخن گفته، می‌نویسد: وی «زبان فارسی و ترکی قدری می‌داند و هر کس از اعیان و ارباب کمال ایرانی به مکه می‌آید، طالب و شایق به ملاقات با اوست».<sup>۲۰</sup> کما این که در جریان سفر امین الدوله به حج در سال ۱۳۱۶، شریف مکرر به دیدن وی آمده و امین الدوله نیز متقابلاً هدایای فراوانی برای وی فرستاده است.<sup>۲۱</sup> اما از آن‌جا که شریف عامل دولت عثمانی بوده و از سوی دیگر، می‌بایست پاسخگویی اکثریت سنی مذهب حاضر در این دو شهر باشد، نمی‌توانست در این زمینه سرمایه‌گذاری بیشتری کند. با این حال و در مجموع، می‌بایست وجود شریف مکه را در شمار عوامل مثبت برای ایرانیان شیعه مذهب دانست.<sup>۲۲</sup>

به مسأله اصلی باز گردیم. پایه اساسی روابط تاریخی ایران و عثمانی بر

ذی حجه انجام می‌شود و بلافاصله پس از آن ماه محرم؛ یعنی آغاز سال جدید قمری آغاز می‌شود، ما سال انجام حج را مبنای نقل قول‌ها قرار دادیم؛ گرچه ممکن است برخی از گزارش‌ها مربوط به ماه محرم، یعنی سال بعد باشد. طبیعی است در هر بخش و ذیل هر عنوان، مطالبی که مربوط به آن عنوان بوده، بر اساس سیر تاریخی نقل‌ها، از هر سال، تنظیم شده است تا از این رهگذر بتوان یک مشکل یا مسأله را در طول چند دهه دنبال کرد.

### حج‌گزاری ایرانیان و مسأله روابط قاجار و عثمانی

از آن‌جاکه سرزمین حجاز در حوزه قدرت دولت عثمانی قرار داشت، انجام اعمال حج برای ایرانیان، به نوعی به روابط سیاسی دولت قاجار و عثمانی ارتباط پیدا می‌کرد. به همین دلیل، از گذشته دور، در قراردادهایی که میان آن دو به امضا می‌رسید، به مسأله حج و زیارت عتبات توجه کامل می‌شد و اصل یا اصولی از آن به امر حج و زیارت اختصاص اختصاص پیدا می‌کرد. البته باید توجه داشت که در مکه یا مدینه،

نوعی رقابت سیاسی و مذهبی استوار بوده و تنها در شرایط خاصی، این روابط، به صورتی حسنه در می آمده است. یکی از مهم ترین عوامل برای ایجاد زمینه مصالحه موقت که گاه تا چند دهه پایدار می ماند، درگیر بودن دولت عثمانی در بخش اروپایی خود بود که آن دولت را مجبور به نوعی سازش با دولت ایران می کرد.

اصل بودن رقابت، با وجود رفت و آمد فراوان ایرانیان به عراق و حجاز و ارتباط برقرار کردن با شیعیان آن نواحی، زمینه را برای داغ نگاه داشتن اوضاع از سوی عثمانی فراهم می کرد. این دولت می بایست به نوعی در سرزمین های خود، ذهنیتی را بر ضد ایرانیان شیعی مذهب نگاه دارد. این وضعیت در شرایط بحرانی بیشتر گشت و اساس آن از زمان صفویه پایه گذاری شده بود.<sup>۲۳</sup>

روابط غیر حسنه ایران و عثمانی در دوره قاجاریه ادامه یافت و درگیری های متعددی میان سپاهیان دو دولت روی داد که خارج از حوصله این نوشته است. آنچه از برخی از اسناد موجود بر می آید این است که تا پیش از سال ۱۲۳۷ دشواری های موجود سبب ترك حج یا

محدود بودن آن شده بود و پس از درگیری هایی که میان دو دولت رخ داد، به آرامی کار به گفتگو و مصالحه کشیده شد. در نامه ای که عباس میرزا در این سال به خسرو محمدپاشا والی ارزنة الروم نگاشت، اشاره شده است که: «اهل این ولایات به حکم شرع مستطاب ترك حج و تجارت در آن حدود را اقرب به صواب می دانستند» اما پس از تعهدی که شما داده اید «بعض مردم... فی الفور اسباب سفر مکه را مهیا کردند و عازم و جازم آن سفر خیریت اثر شدند». <sup>۲۴</sup> در همان سال ۱۲۳۷ صلح نامه ای میان دو دولت منعقد شد که اصلی از آن، به امر حج گزاری ایرانیان اختصاص داشت. نکته مهم در این اصل، جلوگیری از اجحافات بود که در گرفتن مالیات و حقوق گمرکی بر ایرانیان روا می رفت. به علاوه احترام نهادن به حجاج اعیان درباری نیز مورد تأکید قرار گرفته بود. بخشی از این اصل چنین است:

ماده ثانیه: و از اهالی ایران، کسانی که به کعبه مکرمه و مدینه منوره و سایر بلاد اسلامیة آمد و شد می نمایند... مثل اهالی خودشان معامله نمایند و از ایشان دوره و سایر وجوه



توجه به آمارهای حدسی موجود، از پنج تا هفت یا هشت درصد بوده است. از نظر رقم، شمار حاجیان ایرانی در سال ۱۳۰۲ سه هزار و اندی بوده است. این در حالی است که سال‌های پیش از آن، این رقم تا هشت هزار نفر می‌رسیده است. در سال ۱۳۲۲ شمار حجاج ایرانی بسیار اندک بوده است. به نوشته میرزا داود: «حاج ایران خیلی کم است، هزار و دویست نفر به سیاه آمده است».<sup>۲۷</sup> بنابراین این باید نوسان شمار حجاج ایرانی را در سال‌های سخت و راحت بین هزار تا هشت هزار نفر دانست.<sup>۲۸</sup> البته، به لحاظ مذهبی، باید شیعیانی را نیز که از عراق یا جبل عامل می‌آمدند، در نظر آورد. در مواقع حساس، اینان نیز در کنار شیعیان عجم بودند.

#### راه‌های سفر حج و دشواری‌های آن

ایرانی‌ها برای رفتن به حج، می‌توانستند یکی از چهار راه موجود را انتخاب کنند. تصمیم‌گیری برای انتخاب راه بسته به چند نکته بود؛ نخست: اوضاع و احوال کلی راه و اخبار مربوط به امنیت آن، دوم: داشتن زمان مناسب برای انتخاب راه دور و نزدیک، سوم: محل

خلاف قانون شرعیه اصلاً چیزی مطالبه نشود ... و از شام شریف‌الی حرمین محترمین و از آن جا الی شام شریف، از جانب امین صُره همایون نیز نظارت حال ایشان شود و خلاف شرایط به هیچ وجه واقع نگردد و در حمایت ایشان همت نمایند ... و از مخدرات حرم شاهی و حرم‌های شاهزادگان عظام و سایر اکابر دولت بهیة ایران که به مکه معظمه و عتبات عالیات می‌روند، فراخور مرتبه ایشان حرمت و اعزاز شود.<sup>۲۵</sup>

طبیعی بود که حفظ جان ایرانی‌ها در مملکت عثمانی بر عهده این دولت بود و دولت عثمانی نیز اختیار امور حجاز را به شریف واگذار کرده بود. این در حالی بود که شریف نیز قادر به مقابله کامل با اعراب بدوی نبود و هر سال، مصیبت‌های فراوانی بر زائران ایرانی وارد می‌گردید. این مسأله سبب می‌شد تا زائران ایرانی دولت عثمانی را مقصر بدانند و از سفیر ایران در استانبول انتظار آن را داشته باشند تا نسبت به این رخدادها، پی‌گیر باشد.<sup>۲۶</sup>

شمار حجاج ایرانی در قیاس با شمار کل حجاج، اندک به نظر آمده و با

سکونت مسافر در شمال یا جنوب ایران، چهارم: تصمیم حمله‌دار و مسائل دیگر. در ارتباط با نکته نخست، به جز آنچه شایع بود، تصمیم‌گیری دولت نیز مؤثر بود؛ زیرا حکومت ممکن بود اجازه عبور از یک راه را ندهد. حکومت در این زمینه، بر اساس اخبار موجود، نظر قونسولگری ایران در جده و سفارت ایران در عثمانی تصمیم‌گیری و اقدام می‌کرد.

در باره امنیت راه، حمله‌داران آگاهی‌های مهمی داشتند و البته مصالح خود را نیز در نظر می‌گرفتند. در واقع، مهم‌ترین تجربه‌ای که حمله‌دار در آن دوره می‌آموخت، یاد گرفتن این مسیرها، و دریافت اطلاعات درست در باره امنیت آنها بود. راهی که ممکن بود در یک سال امن باشد و سال بعد، با ناامنی زیادی مواجه شود و برای حجاج دردسر درست کند. جالب آن‌که سفرنامه‌نویسان نیز کاملاً به اهمیت این مسأله واقف بودند و می‌کوشیدند تا در روزنامه سفر خود، به مقایسه راه‌ها بپردازند. محمدولی میرزا در سال ۱۲۶۰ آگاهی‌هایی در باره مسیرهای رفت و برگشت به دست داده و ویژگی‌های هر

یک را نموده است.<sup>۲۹</sup> از مطالبی که نایب‌الصدر در سال ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ آورده، روشن می‌شود که تقریباً مهم‌ترین نگرانی حجاج از ناحیه تعیین مسیر بوده و آنان از هر حیث تلاش می‌کرده‌اند تا اطلاعاتی در باره مسیر بازگشت پیدا کنند. وی که گزارش روزانه سفرش را نوشته، از زمانی که پس از اعمال حج به مدینه مشرف شده، به طور مرتب در اطراف مسیر بازگشت و گفتگوی حجاج در باره آن و این‌که راه دریایی بهتر است یا راه جبل و جز آن، سخن گفته است.<sup>۳۰</sup> در جمع، برای رسیدن حجاج ایرانی به حجاز؛ اعم از مکه یا مدینه، چهار مسیر اصلی وجود داشت:

#### **الف: مسیر دریایی از جنوب ایران به جده**

یکی از مهم‌ترین مسیرهای حج برای ایرانیان ساکن فارس و جنوب کشور، مسیر دریایی از خلیج فارس بوده است. در این مسیر، حجاج از طریق بندر بصره، بندر عباس، بندر لنگه، بندر بوشهر و برخی دیگر از بنادر جنوبی ایران، با کشتی به جده می‌رفتند. مسیر کشتی از خلیج فارس به سمت دریای عمان و



ریزان و حجاج از رجال و نسوان وداع جان نمودند، در کیفیت روز مذکور زبان از تفصیلش لال است و مرغ بیان قاصر و شکسته بال.<sup>۳۴</sup>

برای زائرانی که برای بار نخستین در کشتی می‌نشستند، آن هم برای طی این راه طولانی از جده تا بوشهر، تحمل دشواری‌های مسیر دریایی بسیار سخت می‌نمود. روزهای متوالی اسیر بی‌هوشی، استفراغ و عدم توانایی برای خوردن غذا بودند و باید با جان‌کندن این مسیر را طی می‌کردند. شرحی از این مصایب را دختر فرهاد میرزا نیز داده و با اشاره به این که دو شب کامل باد می‌آمد و کشتی در تلاطم بود، از کاپیتان خارجی کشتی یاد می‌کند که: «تا صبح بیدار بود» و «خواب به چشمان اینها وجود ندارد». آنگاه می‌افزاید: «در مملکت ایران، یک شب کسی بی‌خوابی بکشد، هزار جور آه و ناله می‌کند، مثل مرده هر جا باشد می‌افتد، لیکن اینها نه به جایی می‌افتند، نه طوری که رفع کسالت بشود، متصل در حرکت و راه رفتن می‌باشند».<sup>۳۵</sup> در طی این مسیر، قرنطینه‌های مخصوصی وجود داشته که حجاج را از کشتی پیاده کرده، لباس‌های آنان را ضد عفونی نموده و خود آنان را

اقیانوس هند بوده، سپس کشتی به سمت یمن حرکت کرده، از آنجا وارد دریای سرخ می‌شد و در بندر جده لنگر می‌انداخت.

در این روزگار، کشتی‌های مسافری این مسیر، به‌طور عمده، از آن شرکت‌های انگلیسی یا دیگر کشورهای اروپایی بوده و کارکنان آنها انگلیسی، هندی و برخی نیز عرب بوده‌اند.<sup>۳۱</sup> در سال ۱۳۰۶ افزون بر کشتی‌های انگلیسی، از یک کشتی که متعلق به پسر مرحوم حاج زین‌العابدین تاجر شیرازی، ساکن بمبئی یاد شده که البته عمده آن در مقایسه با کشتی‌های دیگر، خیلی بد وصف شده و شهرت آن را خدشه‌دار کرده‌اند.<sup>۳۲</sup>

دشواری سفر با کشتی، برای ایرانیانی که با آن آشنا نبوده و عادت به کشتی سواری نداشته‌اند، درد سرهای زیادی را ایجاد می‌کرد. در بسیاری از سفرنامه‌هایی که در این دوره، گزارش این سفر دریایی را نوشته‌اند، از تلاطم دریا و موج‌های بلند و ترس و اضطراب حجاج سخن گفته‌اند.<sup>۳۳</sup> زائری این وضعیت را چنین وصف کرده است:

«باز باد شمال مخالفی وزیدن گرفت، افواج امواج به حرکت آمد، به کشتی

بیش از ظرفیت کشتی، تحمل ناپذیر بوده است. به علاوه، همین شلوغی سبب می‌شد که افراد در کشتی، جایی برای نشستن پیدا نکرده و طی سفر گرفتار عذاب مضاعف شوند. یک بار سه مسافر مجبور شدند دوازده لیره خرج کنند تا اجازه یابند محلی را در کشتی که متعلق به خدمهٔ ارمنی آن بود، برای اسکان خود بگیرند. یکی از اینان دربارهٔ آنچه طی برخوردشان با این ارمنی‌ها رخ داده می‌نویسد: «اغلب آرامنه می‌آمدند و از کوزهٔ ما آب می‌خوردند. گاهی مست بودند و گاهی می‌رقصیدند و گاهی به ما ایراد می‌گرفتند و سر به سر می‌گذاشتند. گاه با ما در جنگ و گاه آشتی بودند. ما هم چون چاره نبود، به همه حال ساخته بودیم.»<sup>۴۰</sup>

زائران ایرانی شیعه در این مسیر، می‌بایست از برابر منطقهٔ یَلْمَلَم و به عبارتی جُحْفَه محرم شوند. شناخت این محل، دشواری خاصی داشت که تنها افراد خبره و آگاه به مسیر می‌توانستند محل آن را تشخیص دهند. زمانی که کشتی به این نقطه می‌رسید، خبر رسیدن آن را کاپیتان کشتی با سوت اعلام می‌کرد و حُجَّاج محرم می‌شدند.<sup>۴۱</sup> گاه به قدری

نیز معاینه می‌کرده‌اند.<sup>۳۶</sup> این کار برای جلوگیری از انتقال بیماری‌های واگیردار به سایر حجاج کشورها بوده است. برای مثال، زمانی که شایع شده بود که در جده بیماری وبا شایع شده، دولت روس برای دو سال اجازه نداد «احدی از تبعهٔ روس» برای حج تذکره بگیرد.<sup>۳۷</sup> این هم ممکن بود که اگر شایعهٔ بیماری در حجاج بالا گیرد، حجاج از سایر کشورها، اقدام به سفر حج نکنند.<sup>۳۸</sup>

یکی از دشواری‌های قرنطینه برای یک حاج ایرانی یا غیر ایرانی این بود که آنان را به طور جمعی لخت کرده، در یک صف از برابر پزشک عبور می‌دادند. لباس‌ها و وسائل آنان را نیز در صندوق بزرگی گذاشته آن را در ماشین بخار می‌گذاشتند تا به طور کامل ضد عفونی شود. پس از آن، چندین روز - گاه تا ده یا دوازده روز - آنان را نگاه داشته و سپس سوار کشتی می‌کردند. منطقهٔ قرنطینه در این مسیر دریایی دست کم در سه دههٔ پایانی دورهٔ قاجار شهر قمران بوده است.<sup>۳۹</sup>

یکی از دشوارترین کارها، سوار و پیاده شدن از کشتی برای قرنطینه بود که با وجود شلوغی بیش از حد و سوار شدن



زائران را به آسمان می برد و حکایت و خاطره ای برای آنان برجای می گذاشت که وصف ناپذیر بود.<sup>۴۴</sup>

### ب: راه جبل

راه مشهور و معروف دیگری که زائران ایرانی داشتند، راه جبل - یا نجد - بود که از طریق عراق به سوی جزیره العرب حرکت می کردند و این مسیر را به سمت مکه ادامه می دادند. در باره این مسیر، دختر فرهاد میرزا که به سال ۱۲۹۷ به حج مشرف شده، مطالبی نوشته است. وی از ایران به عراق؛ یعنی شهرهای نجف و کربلا رفته و پس از آن به سمت جبل حرکت می کند. این کاروان مسیر کربلا تا جبل را، از دوم ذی قعدة تا شانزدهم همان ماه طی کرده و از آن جا که این منازل نام معینی نداشته، چیزی از اسامی آن منازل ثبت نکرده است:

کاروان در روز شانزدهم وارد جبل شد و طی این مدت چیزی، بجز خاک زمین و آسمان ندید. در این مسیر «از کربلا تا جبل، ابداً کوهی به نظر نیامد... سه منزل از این منازل، همه شنزار است». اما جبل، منطقه کوهستانی بوده و گویا اطراف صحرا، دیواری کشیده شده بوده

کشتی کثیف بود که مقدمات محرم شدن از جمله غسل، محال می نمود.

ظهیرالملک در سال ۱۳۰۶ می نویسد: «نجاست است که از اهل کشتی می بارد، الآن در حال احرامند، چه احرامی! که بدون ساتر و فوطه و همین طور کشف العوره غسل می نمایند! چه غسلی! ظرف نجس، آب نجس، محل ناپاک، سبحان الله معركة غریبی است!»<sup>۴۲</sup> برخی از کسانی که مقدس بودند، در آنجا محرم نشده و پس از آمدن به جدّه، بار خود را به مکه فرستادند، خود با «مختصر لوازم و قلیل مخارج» به سعدیه که میقاتگاه یلملم است می رفتند و در آنجا محرم می شدند.<sup>۴۳</sup>

دشواری عمده این راه، معطلی های فراوانی بود که مسافران در این بنادر، چه در رفتن و چه در برگشتن از جدّه می بایست تحمل کنند تا کشتی از راه برسد. در بسیاری از مواقع، کشتی مملو از جمعیت بود و جایی برای راه دادن بقیه زائران نداشت. در اینجا بود که حاجی می بایست تا ده - پانزده روز دیگر معطل بماند تا کشتی بعدی از راه برسد.

شلوغی کشتی ها همراه با نبودن امکانات، به ویژه وسایل تطهیر، فریاد

کرده و به قتل و غارت آنان می پرداختند. از این رو، در برخی از سال‌ها، به قدری این راه خطرناک می شد، که علما رفتن از آن راه را حرام اعلان می کردند و کسی از آن مسیر عبور نمی کرد. زائری که در سال ۱۳۱۷ به سفر رفته، قدری از سختی های راه را بیان کرده، در پایان می نویسد: اگر «آقایان عظام و علمای اعلام» از این مسائل آگاه بودند «حکم به حرمت این مسافرت می دادند!»<sup>۴۸</sup> نمونه آن فتوای شیخ فضل الله نوری است که در سال ۱۳۲۰ صادر شده و پس از این خواهد آمد.

تهدیدهای موجود در این مسیر، با حمایت نیروهای امیر جبل و گاه سپاه عثمانی و حتی نیروهای امیر جبل تعدیل می یافت.

به گزارش نجم‌الملک در سال ۱۳۰۶ «رسم محمد، امیر جبل این است که همه ساله قبل از موسم حج، شخصی را مثل عبدالرحمان یا قنبر غلامش می فرستد به نجف اشرف تا در پنجم ذی قعدة حجاج را حرکت دهد و در چهارم ذی حجه وارد مکه معظمه نماید. و نظر به آن که از میان عشایر مختلفه وحشی تر از خودشان، باید به سلامت عبور دهد و

است.<sup>۴۵</sup> منزل بعدی «عربان مسته جده» بود که اعلان شد آب برای چند روز خود بردارید. در ادامه به خاک امیر محمد و سپس در بیست و دوم ذی قعدة به خاک حَرَبی می رسند. روزهای بعدی، هر چند روز، به یک آبگیر رسیده و از آن برای روزهای بعد بر می داشته اند. «در این صحرا درخت خار مغیلان زیاد بود». پس از آن به وادی عقیق رسیده، در آنجا محرم شده و با گذشت از وادی لیمو در روز چهارم ذی حجه به مکه وارد شده اند.<sup>۴۶</sup> این امکان وجود داشت که مسافران راه جبل، مسیر را به سوی مدینه کج کرده، ابتدا به این شهر مشرف شوند؛ اما به طور معمول مسافران راه جبل، ابتدا عازم مکه می شدند.<sup>۴۷</sup>

گفتنی است که بر این منطقه، آل رشید حکومت داشتند و به صورت موروثی بر آن فرمانروایی کرده و بعدها به دست نیروهای سعودی از میان رفتند. این دولت، به نوعی حافظ این منطقه بوده و خود تشکیلات خاصی برای همراهی مسافران داشته و هزینه آن را نیز از ایشان دریافت می کرده اند. با این حال، اعراب بدوی آن نواحی و گاهی نیروهای دولتی آل رشید، به کاروان حجاج حمله





تا شاید نظامی می‌گرفت.»<sup>۵۱</sup>  
 از اطلاعاتی که مربوط به سال‌های ۱۳۱۶ و ۱۳۱۷ است به دست می‌آید که به تدریج به خاطر ظلم و ستم امیر جبل، این راه مسدود اعلام شده است. پس از آن، وی تلاش زیادی برای باز کردن این راه انجام داد تا اولیای دولت ایران را قانع کند تا اجازه سفر از این مسیر را بدهند. راه مزبور در سال ۱۳۱۹ باز بوده که شیخ فضل الله نوری از آن عبور کرده و پس از بازگشت به نجف، فتوای تحریم رفتن به آن راه را صادر کرده است.

نجم الملك در سال ۱۳۰۶ برای آگاهی مردم نوشته است: «امروز طریق وصول به مکه معظمه و مراجعت منحصر به راه جبل نیست» و راه‌های امن دیگری از جمله راه سلطانی شام، راه اسلامبول و راه بصره نیز وجود دارد.»<sup>۵۲</sup>

گفتنی است که مشکل حمله به کاروان‌ها در نوع مسیرها بوده و فواصل هرچند طولانی، قلعه‌هایی برای حضور سپاه عثمانی ساخته می‌شده است؛ نیروهایی نیز طبق رسم قدیم، همراه کاروان‌های حجاج، در برخی از مسیرها اعزام می‌شدند تا مانع از حمله بدویان به حجاج شوند. با این همه، در بسیاری از

به همگی تعارفات بدهد، از هر نفر شتر سوار به عنوان اخوه، مبلغ پانزده تومان تخمیناً می‌گیرد.»<sup>۴۹</sup> قرار بر آن می‌بود تا چیزی از حجاج پیاده نگیرند، اما به گزارش همین زائر، بر اینان نیز سخت‌گیری زیادی می‌شده و همین امیر جبل «در هر منزل جمعی از پیادگان را... می‌طلبید و حکم می‌داد چند نفر از اعراب اشد کفرأ و نفاقاً با چماق‌های قوی بر سر هر نفر می‌ریختند و آن مظلوم را بی‌محابا آن قدر می‌زدند که گاه می‌مرد، و آنچه ممکن بود از درهم و دینار وصول می‌کردند و حاجی جواد حمله‌دار، پسر حاجی عابد، تبعه دولت ایران در زیر چماق محمد این سال شهید شد.»

نویسنده، که از درباری‌ها بوده، می‌گوید: با مشاهده این وضع، عبدالرحمان را طلبیده، او را تهدید کرده، به وی گفته است: «اگر اولیای دولت ابد مدّت ایران می‌دانستند که شماها با این سخت دلی و طمع، چه قسم سوء سلوک با حجاج عجم می‌نمایید، البته قدغن می‌نمودند که راه جبل به کلی مسدود شود.»<sup>۵۰</sup> وی آرزو کرده است که «کاش از جانب اولیای دولت ابد مدت، این راه جبل چند سالی قدغن و مسدود می‌شد

در دوره قاجار نیز گاه ابراز شده است که طایفه حرب که به کاروان‌ها حمله می‌کردند، مستظهر به حمایت امیر مکه<sup>۵۴</sup> بوده‌اند. اینها می‌توانست شایعاتی نیز باشد که سفرنامه‌نویسان از این و آن می‌شنیدند.

فرستادن نیرو به همراه کاروان، به ویژه از سوی امیر جبل یا شریف مکه، نوعی درآمد برای آنان به حساب می‌آمد. گاه نیز سوء استفاده‌های دیگری می‌شد. یک نمونه از این سوء استفاده آن بود که با اعلان بسته بودن راه جبل، کرایه شتر برای بردن حجاج به سمت شام دو برابر می‌شد و با ساخت و پاخت شریف با شترداران، مبلغی پول به او نیز می‌رسید. در گزارشی که از سال ۱۳۱۷ در دست است، نویسنده همکاری قونسول ایران در جده با شریف مکه را مطرح کرده است که آنها ابتدا اعلام کردند که راه جبل مسدود است. در نتیجه همه برای رفتن به سمت شام یا دریا فشار آورده و در این میان «حاج شامی، شتر به قیمت گزاف کرایه نموده حرکت کردند». نیمی از حجاج به دلیل زیادی کرایه متحیر و سرگردان مانده بودند. در این وقت بود که شریف مکه با قونسول مبلغی گزاف از حمله‌دارها

مواقع، جنگ و درگیری میان حجاج و غارتگران عرب روی داده و روشن بود که چه گروهی در این میان آسیب می‌دیدند. در مواقعی نیز کار به مصالحه می‌رسید و دزدان با گرفتن مبلغی پول از هر زائر، راه را برای آنان باز می‌کردند. این مصالحه‌ها، زمینه متهم شدن حافظان کاروان، امیر الحجاج و یا شتربانان را به همکاری با دزدان فراهم می‌کرد که از قدیم، به این مسأله پرداخته شده است. شاعری در قرن دهم می‌گوید:<sup>۵۳</sup>

از شتربان رشوه گیرد میرحاج  
کی نماید درد مسکینان علاج  
دادخواهان از شتربان لعین  
میرگوبان در جواب جمله این  
با شتربانان چه جای کینه است  
زر بده کین عادت دیرینه است  
گرچه دزدان لعین محض شرند  
ساربانان از حرامی بدترند  
ساربان بدتر ز دزدان در طریق  
باز میرحاج زین هر دو فریق  
هست جمله دشمنان اهل دین  
لعنة الله علیهم اجمعین  
چون گرفتند از فقیران جمله باج  
از علا بنمود رحلت میرحاج



۱۲۶۰ محمد ولی میرزا گزارش مشروحی از گرفتن مالیات توسط امیر عبدالله دارد و می‌نویسد که او «نوشته داد که می‌آیم تا منازل مخوف، خودم، و شما را می‌گذارم و بر می‌گردم؛ عبدالرحمان - یعنی پسرش - را با شما می‌کنم تا مکه معظمه».<sup>۵۷</sup> با این حال، باز نزاع شده و گفتگوی‌های زیادی میان امیر عبدالله و محمد ولی میرزا صورت گرفت تا عاقبت اجازه داد کاروان از خاک جبل عبور کرده به خاک حجاز وارد شود.<sup>۵۸</sup>

فراهانی در سال ۱۳۰۲ نوشته است که دو سه سال است که دولت ایران رفتن از طریق جبل را قدغن کرده و امسال فقط پنجاه شصت نفر آن هم با لباس مبدل از این راه آمده‌اند. وی تأکید می‌کند که امیر جبل از این بابت ناراحت است، زیرا درآمد خوبی را از دست داده و به همین دلیل، افزون بر برخورد خوبی که با حجاج ایرانی کرده، شرحی نیز به قونسول ایران در جده نوشته و «تمنای مرخصی حجاج را از راه جبل کرده و تعهدات چند نموده بود که من بعد، من جمیع الجهات مواظب حال حجاج بوده و هیچ نوع تعدی و بی‌احترامی نسبت به

گرفتند و جار افتتاح راه جبل را کشیدند. و این نیم سرگردان از راه جبل بازگشتند.<sup>۵۵</sup> به هر روی، شهرت داشته است که راه جبل بسیار خطرناک است، اما با دشواری‌هایی که دختر فرهاد میرزا در طول راه مدینه تا مکه کشیده، آن هم از دست دزدان اعرابی و جمّال‌های تندخو، معتقد است که آن راه، بدتر از راه جبل است. به عقیده وی «هیچ کس که به قدر ذره‌ای عقل و شعور داشته باشد، خودش را به دست این جمّال‌های دیوانه نخواهد داد. در راه جبل، به هیچ وجه این حرکات بی‌معنا نیست که مردم کتابچه در مذمت راه جبل می‌نویسند و مخلوق را می‌ترسانند ... هر گاه در راه جبل حجاج صدمه داشته باشند، اقلأ آدمی هم هست که بشود سؤال و جوابی کرد. درحالی که در مسیر مدینه تا مکه دشواری و دزدی فراوان بوده و حجاج به تمام معنا خوار می‌شده‌اند. شگفتی دختر فرهاد میرزا این است که چگونه «دولت تمکین دارد که این همه خواری بر سر حجاج بیاورند».<sup>۵۶</sup>

حضور رئیس قبایل میان راه یا برخی از وابستگان آن، سبب می‌شد تا کاروان در پناه آنان حرکت کند. در سال

بفرستد تا چه شود؟»<sup>۶۲</sup> نیامدن امیر جبل نیز مانعی بر سر راه زائران عجم برای گذر از راه جبل بود. میرزا داود تصریح می‌کند که امسال به خاطر نیامدن امیر جبل، ایرانی‌ها می‌بایست با حمل شامی برگردند.<sup>۶۳</sup>

توصیه‌ای که معتمدالسلطان سقاباشی ناصرالدین شاه، به نقل نایب الصدر در سال ۱۳۰۵ به زائران راه جبل داشته، این است که حاجی باید توان کجاوه‌نشینی یا تخت‌نشینی داشته باشد «آب هم همراه بردارد که سخت نگذرد». طبعاً کسانی که پیاده می‌آیند یا می‌خواهند سربرار دیگران باشند، ممکن است جانشان را از دست بدهند. ویژگی عمده راه جبل این بود که زائر ایرانی در رفتن به حج، مسیرش از عتبات می‌گذشت و اگر زائری هم اراده زیارت عتبات را داشت، پس از اعمال حج باز از همین راه نجد و جبل به عراق باز می‌گشت.<sup>۶۴</sup>

به هر روی، زائر ایرانی که می‌بایست روزها و شب‌ها روی شتر سفر کند، گاه اجازه آن که برای نماز از کجاوه و شکاف پایین بیاید نداشت و می‌بایست همانجا نمازش را می‌خواند. گاه می‌شد

آن‌ها نخواهد شد.»<sup>۵۹</sup> گزارش نایب الصدر به نقل از حجاج راه جبل آن است که در سال ۱۳۰۵ راه باز بوده و امیر جبل رفتار بسیار خوبی با حجاج داشته و حتی کسی را تا مکه فرستاده تا به حجاج خدمت کند. این شخص گله‌مند بوده است که ویس قونسول جده «هر سال مبلغی از ما به عنوان تعارف می‌گیرد؛ اگر ندهیم بعضی جعلیات به بابعالی و دربار همایونی عرض می‌نمایند و قدغن می‌شود که حاج از طرف جبل عبور کند.» ما نیز این مبلغ را می‌دهیم، اما از حمله‌دار می‌گیریم او هم از حجاج. و بدین ترتیب ستم بر حجاج می‌رود.<sup>۶۰</sup> به نوشته نایب الصدر درآمد امیر جبل از هر حاجی که از جبل به مکه برود، پانزده تومان و در بازگشت ده تومان است.<sup>۶۱</sup>

گفتنی است، همان‌گونه که راه شام، پاشای امیرالحاج داشت، و یا محمل مصری که رئیس خود را داشت، حجاج راه جبل نیز با سرپرستی امیر جبل یا شخصی که او تعیین کرده بود به حج می‌آمدند. میرزا داود در سال ۱۳۲۲ نوشته است: «حمل امیر جبل نیامد و نرسید، می‌گویند به جهت جنگی که با ابن صیاح دارد، نتوانسته است بیدق خود را



در حالی بود که کجاوه تلاطم زیادی داشته و امکان مطالعه در آن نبوده است.

### فتاویٰ علما در تحریم راه جبل

سند مهمی که در این زمینه در دست است و به وسیلهٔ شیخ شهید فضل الله نوری تنظیم شده، مجموعه‌ای از فتاویٰ علماست که پس از حج سال ۱۳۱۹ در این باره صادر شده است. مقدمهٔ این سند را شیخ فضل الله که خود در آن سال مشرف بوده نگاشته و حکایت آزار و اذیت فراوان و تلفات بی حد و شمار این مسیر را گزارش کرده است. این سند که متن فتاویٰ تحریم خود شیخ است، به همراه فتاویٰ علما در سال ۱۳۲۰ به چاپ رسیده است.<sup>۶۹</sup>

شیخ فضل الله در این متن تحریمه، با اشاره به سفر خود در سال ۱۳۱۹ از راه گیلان و اسلامبول از نیت اولیه خود برای بازگشت از طریق شام یاد می‌کند. اما در مکه از این قصد منصرف شده بنای بازگشت «از طریق جبل» را گذاشته و با وجود مخالفت جمعی از همراهان، اصرار بر آمدن از این راه می‌کند.

وی روز دوم محرم سال ۱۳۲۰ از مکه به راه افتاده و در هیجدهم

که زائری خوابش می‌برد یا به دلیلی از شتر می‌افتاد و می‌ماند. چنان که حاجی شیخ جعفر ترشیزی برای امین الدوله گفته بود که «در راه جبل، نیم‌شب‌ی که روی شتر به تهجد مشغول بوده، از سرین مرکب شُریده، نماز را نبریده، از قافله باز مانده ... تقدیر آن قدر مساعد بوده است که خرجین شیخ هم با خودش به زمین افتاده ... درین حال عربی سوخته سیاه از راه می‌رسد ... تفقدی از حالش کرده رحمت می‌آرد ... می‌رود از یورت و مسکن خودش شتری و مرد دیگر می‌آر .... برای راحت و بستن شکسته‌ها، شیخ را در مضیف قبیله یک اربعین قبول می‌کنند و پس از شفا و عافیت به نجف می‌رسانند.»<sup>۶۵</sup>

اگر حاجی آن اندازه توان مالی داشت که بتواند تخت روان اجاره کند، به راحتی می‌توانست در همانجا به مطالعه هم بپردازد.<sup>۶۶</sup> امین الدوله، در جای دیگری هم نوشته است که «در این صحرا طی طریق می‌کنیم و در تنهایی به مطالعهٔ تاریخ مکه و مدینه مشغولم.»<sup>۶۷</sup> و نوشته است: «در تخت روان مطالعهٔ کتاب خلاصهٔ الوفاء و آداب و سنن زیارت مدینه منوره از من فوت نمی‌شد.»<sup>۶۸</sup> این

ربیع الاول - یعنی دو ماه و نیم بعد - به یک فرسنگی نجف اشرف رسیده است. شیخ با تحمل شدائد راه دریافته است که با وجود مخالفت برخی از همراهانش، حکمت آمدن از این راه آگاهی یافتن از دشواری‌های این راه و زمینه سازی صدور فتوای تحریم از طرف خود و سایر علمای نجف برای رفتن از این مسیر بوده است. وی می‌نویسد:

مجملاً با جمعیت وافرۀ حاج در این سال که سنین متمادیه همچہ جمعیتی دیده نشده بود و جمعی از علما و اعیان و اشراف همراه بودند، چنان امر سخت شد که هیچ کس سکون خاطر بر سلامتی و رجوع از این سفر نداشت، اگرچه ظلم حمله‌دارها و عکاکیم و جمّالها زیاده از حد و حصر است، ولی این مطلب تازه نبوده، در هر سال حاج بیچاره گرفتار انواع حیل و ظلم این طایفۀ طاغیه بوده‌اند. چیزی که امسال تازه بود، ظلم بیکران امیر حاج و اعوان او و بی‌مبالاتی امیر ابن الرشید و کارکنان او بود که خیلی تازه و معجب بود. مخفی نماناد که رفتن در این صحراهای موحشه و این بیابان‌های بی‌پایان با این اعراب خونخوار و دشمنان بیشمار عقلا و شرعا غیر

جائز و حرام و از اظهار افراد القای نفس در تهلکه است. چیزی که بود این بود که آل رشید در سنوات سابقه در مقام حفظ حاج برآمده با استعداد تمام حمل حاج می‌نمودند و اخوّه می‌دادند و تحت الحفظ ذهاباً و ایاباً حاج آمد و شد می‌کردند. حال خود امیر خائن و ابدا در مقام حفظ و حراست حاج نیست. خدای می‌داند که چه قدر از حاج، امسال از بی‌حفظی تلف شدند. به علاوه آنچه که امیر با تقصیر بالمباشره یا بجنوده کشته و تلف نموده و به هیچ وجه رسیدگی نمی‌نمود، به محض افتادن حاجی از شتر - لغلبۀ النوم او غیره - کسی نبود که از حال آن بیچاره سؤال کند و ملتفت شود، به همان حال در آن صحرا تلف می‌شد. از این بالاتر که چه قدر نفوس، به صدمات ضرب امیر و اعوان او تلف شدند و چه بسا اشخاص که زاد و راحلۀ آنها را به همه جهت به سرقت بردند و به عسرت و سختی مردند. تمام جماعت حاج واقعه سه شبانه روز توقف داعی را در جبل بعد از حرکت حاج می‌دانند که به چه سبب بود و اگر توقف نمی‌شد، چه می‌شد. باری تأملی نیست که الیوم اقدام به استطرار از راه جبل ذهاباً و ایاباً



دولت علیه در مقام اجرای احکام شرعیه و حفظ رعایا از تلف و ضرر و غدغن اکید و منع بلیغ فرمایند که دیگر مأمورین جرأت اقدام نداشته باشند. به خصوص در مراجعت که جماعتی انواعه حیل را اعمال می‌کنند و حاج بیچاره را برای تحصیل غرض خود مغرور می‌نمایند.

در ذیل این فتاوی، فتاوی دیگر مراجع بزرگ آن زمان درج شده است. این افراد عبارتند از: محمد غروی شربانی است که نوشته است: «چند سال است که احقر حکم بر حرمت نموده‌ام و حالا هم بالصراحه می‌گویم که حرام است از وجوه عدیده به مرتبه‌ای که اگر راه منحصر به همین راه جبل باشد، تکلیف حج ساقط است شخص واجب الحج نمی‌شود». میرزا حسین طهرانی، آخوند ملامحمد کاظم خراسانی، محمد حسن مامقانی «با این کلمه متفق حاجی‌های امسال - علی‌کترتهم - بر سلب امنیت از راه جبل، شبهه در خدمت استطرار از این راه ذهابا و ایابا نیست، مادامی که بر سلب امنیت باقی است و البته با انحصار طریق در این راه استطاعت طریقی غیر حاصل است.» شیخ محمد طه نجفی، آقامیرزا

مظنون الضرر مالاً و عِزّاً و نفساً بلکه مقطوع الضرر است و در این صورت استطرار حرام است و بالفرض اگر کسی دعوی نماید عدم القطع بل عدم الظن به ضرر را، فلا اقل من الاحتمال العقلایی؛ و هذا یکفی فی حرمة الاقدام. مضافاً که این دعوی با اطلاع سه هزار نفر حاج منتشر در بلاد جزاف است. فعلی هذا اگر راه منحصر شود بالفرض در این راه استطاعت سیربی‌طریقی - که یکی از اقسام استطاعات لازمه است غیر حاصل و اگر برود، کافی از حجة الاسلام نخواهد بود. و من حسن الاتفاق آن که داعی، وقتی که به نجف اشرف و عتبات عالیات مشرف شده و به زیارت علمای اعلام و حجج اسلام آن بقاع شریفه مرزوق شدم، دیدم که تمام آقایان از کثرت تظلمات حاج و تراکم شهادات آنها بر واردات، متفق الکلمه حکم به حرمت و منع استطرار از طریق جبل ذهابا و ایابا فرموده‌اند، به نحوی که ابداء مورد شبهه نمانده و این مطلب خود حقیقتاً شاهد قوی است بر واقعیت این حکم و رضای صاحب شریعت بر آن. و پر واضح است که مخالفت احکام این جمع از علمای اعلام حرام است. بناءً علیه امید است اولیای

ایروان، ورود به کشور عثمانی، گذر از حاشیه فرات، حلب، دمشق، مدینه.<sup>۷۱</sup> زائر ایرانی پس از رسیدن به دمشق در آنجا برنامه سفر خویش را به مدینه تنظیم کرده، اسباب سفر را از شتر و عکام و غیره تدارک می‌دید و به همراه کاروان یا به اصطلاح محمل شام که بزرگترین کاروان حج بود، به سمت مدینه به راه می‌افتاد. بر اساس گزارش اعتماد السلطنه در سال ۱۲۶۳ زائران ایرانی طی پانزده روز توقف در دمشق، اسباب سفر خود را فراهم کرده و پس از آن به سوی حجاز حرکت کردند.<sup>۷۲</sup>

این راه به دلیل آبادی، از نظر آب و آذوقه دشواری کمتری نسبت به راه جبل داشت، اما در مقایسه با راه جبل، بسیار دور بود. در سال ۱۳۰۲ گزارش شده است که «در این اوقات، اهالی ایران به واسطه دوری راه و زحمت بسیار و مخارج بی‌شمار کمتر از این راه می‌روند»<sup>۷۳</sup> زمان رسیدن از مدینه به دمشق، یک ماه راه بود.<sup>۷۴</sup>

زائرانی که از ایران به زیارت عتبات عالیات در عراق می‌رفتند، برای رفتن به حج از مسیر یاد شده، مسیر خود را در حاشیه رودخانه فرات ادامه داده و سپس

محمد تقی شیرازی، سید اسماعیل صدر، آخوند ملاعلی نهاوندی، آقا سید محمد کاظم یزدی، شیخ عبدالله مازندرانی. آقا رضا همدانی، آقا سید محمد طباطبائی، آقا میرزا فتح الله مشهور به شیخ الشریعة اصفهانی، آقا سید ابوالقاسم اشکوری، آقا شیخ عبدالحسین فرزند شیخ راضی، آقا شیخ عباس کاشف الغطاء، آقا شیخ محمد تقی دزفولی، آقا سید جعفر طباطبائی، آقا شیخ حسین فرزند زین العابدین مازندرانی.<sup>۷۵</sup>

### ج: راه شام

زائران ایرانی از روزگار صفوی، و تا نیمه دوره قاجاری، راهی که به طور غالب، انتخاب می‌کردند، رفتن به سمت حلب و شام و از آنجا به مدینه بود. این مسیر می‌توانست از طریق تبریز به عثمانی و از آنجا به سمت جنوب ترکیه باشد، چنان که ممکن بود از راه بغداد به سمت شمال عراق و از آنجا در حاشیه فرات به سمت سوریه باشد. یک زائر اصفهانی در اواخر دوره صفوی این منازل را برای رفتن به مدینه طی کرده است: کاشان، قم، ساوه، قزوین، سلطانیه و زنجان، میانه، تبریز، اردوباد، نخجوان،





وی سختی‌های این راه را گوشزد کرده و گویی به خاطر این سختی‌ها، از رفتن به مسیر حلب پشیمان شده است.<sup>۷۹</sup>

به هر روی، راه زمینی از حلب تا دمشق مشخص است، اما کسانی که تمایل به گشت در طرابلس و بیروت و عکا و حتی پورت سعید و اسکندریه و قاهره را داشتند، در رفتن یا برگشتن ممکن بود که از مسیر دریا استفاده کنند و به دیدن این مناطق بروند و سپس از طریق دریا به سمت جده حرکت کنند. این زمانی ممکن بود که کانال سوئز باز شده و دریای مدیترانه را با دریای سرخ پیوند داده است.

مهمترین نکته برای راه شام آن بود که زائر عجم همراه قافله و محمل شامی که امیرالحاج دولت عثمانی نیز با آن بود، به حجاز می‌رفت و به این ترتیب، به دلیل جمعیت زیاد این کاروان [که در سال ۱۲۶۳ پنجاه هزار نفر بوده]<sup>۸۰</sup> و محافظان بیشمارش، در امنیت کامل بود. در واقع، پاشایی که از سوی دولت عثمانی انتخاب می‌شد، به نوعی امیرالحاج به حساب آمده و به نوشته حاجی علی خان اعتمادالسلطنه در سال ۱۲۶۳ «جمع اختیار همه حاج رومی و ایرانی و هندی

به خاک سوریه وارد شده، از آنجا به حلب می‌رفتند.

برای نمونه مسیری که یک زائر ایرانی از کاظمین تا حلب در سال ۱۳۰۶ طی کرده به این شرح است:

کاظمین، نقطه، شریعه، رمادی، هیت، بغدادیّه، عانه، نهیه، ابوکمال، صالحیه، میادی، دیر، قشله، معدان، سنج، محمدی یا رقه، حمام علی، مسکنه، دیرحافظ (از اینجا به بعد از شط فرات دور می‌شود)، و سپس حلب.<sup>۷۵</sup>

یک مسیر دیگر از عراق به شام، بدون ورود به حلب نیز از این شهرها و مناطق می‌گذشته است: کربلا، مسیب، خیریه، زیاله، رمادی، هیت، بغدادی، حدیثه، فهمه، عانه، نهیه، قایم، مشاهده، صالحیه، میادین، دیر، قواقف، سُخْنَه، آرک، تدمر، بیضاء، قریتین، عُنْمه، قطیفه، دمشق.<sup>۷۶</sup> مانند همین مسیر را با توضیحات مفصل‌تر و دقیق‌تر، میرزاعلی اصفهانی که در سال ۱۳۳۱ از طریق عراق به شام، به حج مشرف شده، به دست داده<sup>۷۷</sup> و اشاره کرده است که از نقطه‌ای خاص پس از دیر، برخی راه حلب را انتخاب کرده و خود آنها تحت فشار حمله‌دارها مستقیم به دمشق رفته‌اند.<sup>۷۸</sup>

و عرب و عجم با اوست».<sup>۸۱</sup> زمانی که در سال ۱۳۲۲ دو ایرانی برای شکایت نزد عبدالرحمان پاشا امیر حجاج شام آمدند و میرزا داود در آنجا نشست، پاشا گفت که با بودن ایشان من میان شما حکم نمی‌کنم.<sup>۸۲</sup>

مخبرالسلطنه در سال ۱۳۲۱ می‌نویسد «یک ساعت و نیم لازم بود که دنباله قافله، جای سر قافله بیاید». در این محمل، سه هزار شتر بود که در چهار قطار حرکت می‌کردند «دو قطار یک طرف و دو قطار یک طرف می‌رفتند، بین آنها ده ذرع عرض، خیابانی می‌افتاد، کانه آن حیوانات مشق کرده‌اند، ابدا در عرض خیابان اعوجاجی پدید نمی‌آمد».<sup>۸۳</sup>

انتخاب راه شام، این توفیق را نصیب زائر می‌کرد تا در دمشق نیز به زیارت قبور و اماکن متبرکه آنجا برود. همچنین راه شام، پس از سال ۱۳۲۶ قمری، این امتیاز را داشت که از دمشق تا مدینه، خط آهن کشیده شده و مسافران می‌توانستند از قطار یا به اصطلاح رایج آن روزگار شَمَنْدُفِر استفاده کنند.

د: راه اسلامبول به جده

راه دیگر ایرانیان برای رفتن به حج،

رفتن به استانبول بود که می‌توانست از راه‌های مختلف صورت گیرد. پیشنهاد نجم‌الملک در سال ۱۳۰۶ آن است که «حجاج ایرانی از انزلی به سمت تفلیس بروند و بعد، از اسلامبول و کنار مصر بگذرند و به جده وارد شوند».<sup>۸۴</sup> اگر زائر خراسانی بود، از مشهد به سمت عشق آباد رفته، از آنجا عرض دریای مازندران را طی کرده، به سمت بادکوبه و تفلیس می‌رفت و سپس با راه آهن عازم ساحل دریای سیاه شده به اسلامبول می‌رفت.<sup>۸۵</sup> بخشی از این مسیر با راه آهن و بخشی با کشتی سپری می‌شد و حجاجی که از بلاد خراسان و سرزمین روسیه بودند، از این طریق عازم می‌شدند. مصیبت‌هایی که در این مسیر بر سر میرزا داود آمده بود، سبب‌نگرانی اواز این راه شده، می‌نویسد: «آمدن به مکه از این راه موجب ثواب که نخواهد بود، قطعاً موجب عقاب است، چون هم خوف بر اتلاف مال و هم خوف تلف جان و هم از دست رفتن وظایف و عبادات یومیه فرضیه، و عدم تحصیل و تمکن طهارت همه را تا اینجا دارد، تا بعد از این چه شود، به خصوص بر زنها که حرام است قطعاً».<sup>۸۶</sup>

زمانی که حاج به اسلامبول



کرده، در ۱۵ شوال عازم یمنع شود که دوازده روز این راه طی می‌شود. در آن جا نیز با شتر، شش روزه به مدینه رفته تا ۲۵ ذی قعدة آنجا بماند. سپس به سمت مکه حرکت کند که ششم یا هفتم ذی حجه آنجا برسد.<sup>۸۸</sup>

امین الدوله در سال ۱۳۱۶ از راه بادکوبه با قطار عازم ساحل دریای سیاه شده، از آنجا با کشتی به استانبول رفته و سپس از طریق مصر و کانال سوئز با کشتی عازم حجاز شده است.<sup>۸۹</sup> وی می‌نویسد که «در سوئز دسته‌های حاجیان ایرانی پی در پی می‌رسیدند و دیده‌ها را به دیدار ایشان روشن می‌کردیم.»<sup>۹۰</sup>

گذشت که هر کدام از این راه‌ها، محاسن و معایب خود را داشت. در سال ۱۳۰۲ که حدود سه هزار و اندی حاج ایرانی به مکه آمده بود «هشت صد نفر از راه شام آمد که پنجاه نفر از آنها از تشنگی و باد سام مرده بودند، قریب یکصد نفر هم از راه جبل به دزدی و لباس تبدیل آمدند و یک هزار و دویست نفر از راه بوشهر و بندرعباس و بغداد آمده و از جده وارد شده و یک هزار و کسری هم از راه اسلامبول آمدند و از جده و یمنع وارد شدند.»<sup>۹۱</sup>

می‌رسید، می‌توانست مستقیم با کشتی به دریای سرخ و بندر یمنع یا جده وارد شود، همان طور که می‌توانست به مصر رفته از شهرهای اسکندریه و قاهره و پرت سعید و حتی بیروت و غیره دیدن کند. فرهاد میرزا (در سال ۱۲۹۲) از ایران به استانبول رفته، از آنجا به قاهره و سپس از طریق کانال سوئز به دریای سرخ و سپس به بندر یمنع وارد شده و از آنجا با شتر روانه مدینه شده است.<sup>۸۷</sup> فراهانی نیز همین مسیر را طی کرده است. برخی همین مسیر یا راهی طولانی‌تر را در بازگشت داشتند. حسام السلطنه در سال ۱۲۹۷ در بازگشت از مدینه، راهی شام شده از آنجا به بیت المقدس رفته، سپس به سوی اسکندریه و قاهره عزیمت کرده، در مسیر بازگشت به استانبول و از آنجا به تفلیس، ایروان، نخجوان و سپس به ایران وارد شده است.

فراهانی برای کسانی که از انزلی به استانبول و از آنجا به یمنع می‌روند، مشکل زمان را نیز حل کرده است. به نظر وی که سفرش در سال ۱۳۰۲ انجام شده، بهتر چنین است که شخص در ۲۵ رمضان در انزلی به کشتی نشسته ده روزه به اسلامبول بیاید. ده روز هم آنجا توقف

### ● پی‌نوشتها:

- ۱- میرزا علی اصفهانی، ص ۲۰۹
  - ۲- میرزا علی اصفهانی، ص ۲۱۴
  - ۳- فرهاد میرزا، ص ۱۶۲
  - ۴- فراهانی، ص ۱۸۵
  - ۵- سفرنامه منظوم حج، ص ۸۲
  - ۶- سفرنامه منظوم، ص ۷۰
- ۷- برای نمونه بنگرید: افضل التواریخ، ص ۳۳۷. آقا احمد کرمانشاهی در کتاب «مرآة الأحوال» خود که سفرنامه‌ای به هند و در ضمن شرح حال خود اوست، با اشاره به سفرنامه‌های انگلیسی‌ها می‌نویسد: اگر کسی [از آنان] به مملکتی رود و یا از عجایب المخلوقات چیزی ببیند، آن را و احوال آن و ملک را و آن حیوان را نویسد و صورت آن را کشد و چون به کلکته و دارالریاسة دیگر این جماعت رسد، وی را اعزاز کنند و آن کتاب را در چهاپخانه (کذا) برده از آن صدها نسخه چاپ کنند و به قالب نویسند... و لهذا هر کس به هر مملکتی که رفت یا به جزیره‌ای که رسید، احوال آن را به شوق آنکه علاوه بر اعزاز و اشتهار، مبلغ کلی عاید او خواهد شد، ثبت می‌کند. مرات الأحوال، (آقا احمد کرمانشاهی، قم، انصاریان، ۱۳۷۳) ج ۲، ص ۸۸۲. گزارش ما را در باره این کتاب بنگرید در: مقالات تاریخی، دفتر اول، (قم، الهادی، ۱۳۷۵) صص ۹۷ - ۱۴۸
- ۸- یکی از کارهای دارالترجمه ناصری، ترجمه همین سفرنامه‌ها بود. برای نمونه باید از ترجمه سفرنامه «اویلسن» به ایران یاد کرد که سید عبدالله آن را ترجمه و به ناصرالدین شاه اهدا کرده است (فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ایران، ج ۳، ص ۳۷، ۱۷۶. نمونه‌های دیگر: سفرنامه ترکستان از «پاشینو»، ترجمه داود خانف، همانجا، ج ۳، ص ۲۱۹، ۲۵۲. سفرنامه تونس، از «رباتل» و «دکتر تیران»، ترجمه علی نامه نگار، همانجا، ج ۳، ص ۲۹۱. تنها در همین مجلد از دهها سفرنامه دیگر که برای ناصرالدین شاه ترجمه شده، نام برده است.



۹ - مانند سفرنامه «مسیر طالبی فی بلاد افرنجی» از میرزا ابوطالب خان اصفهانی (م ۱۲۲۱) که در فاصله سال های ۱۲۱۳ - ۱۲۱۸ در انگلیس و هند بوده و سفرنامه خود را نوشته است. نمونه دیگر «سفرنامه و حیرتنامه» سلطان الواعظین است که گزارش سفر او به هند در سال ۱۲۲۱ است و آن را در سال ۱۲۳۱ به دستور فتحعلی شاه تدوین کرد. نمونه دیگر، «تحفة العالم» از عبداللطیف شوشتری (۱۱۷۲ - ۱۲۲۰) است که گزارش سفر و زندگی اش را از سال ۱۲۰۲ تا ۱۲۱۶ - که در هند بوده و همانجا درگذشته - در آن نوشته است.

۱۰ - «سفرنامه ناصرالدین شاه به عتبات» یا «شهریار جاده‌ها»، به کوشش محمدرضا عباسی - پرویز بدیعی، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۲. سه نمونه دیگر: سفرنامه ابوالحسن خان فخرالملک اردلان به عتبات، (سفر سال ۱۳۰۴) به کوشش محمد رضا عباسی، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۲. سفرنامه ادیب الملک به عتبات، به کوشش مسعود گلزاری، تهران، دادجو، ۱۳۶۴. سفرنامه عضدالملک به عتبات، به کوشش حسن مرسلوند، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های فرهنگی، ۱۳۷۰

۱۱ - امین الدوله، ص ۲۴۸

۱۲ - امین الدوله، ص ۲۵۵

۱۳ - امین الدوله، ص ۲۸۱

۱۴ - نجم الملک، ص ۱۸۴

۱۵ - فرهاد میرزا، ص ۱۸۳

۱۶ - فراهانی، ص ۱۹۲

۱۷ - مخبرالسلطنه، ص ۲۵۶

۱۸ - نایب الصدر، ص ۱۳۶

۱۹ - نایب الصدر، ص ۱۷۲

۲۰ - فراهانی، ص ۲۰۰

۲۱ - برای نمونه، نک: امین الدوله، ص ۲۰۵

۲۲ - در سال ۱۲۹۲ که فرهاد میرزابه حج رفت، شریف مکه نشان دولت ایران رابه او نشان دادکه به وی داده شده اما فرمان ندارد. فرهاد میرزا قول داد تا فرمان آن نیز از تهران برای وی ارسال شود. فرهاد میرزا، ص ۲۲۳

۲۳ - در این باره بنگرید به: علل برافتادن صفویان مقاله: پاره‌ای از مسائل حجاج شیعی در دوره صفوی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲

۲۴ - اسناد و مکاتبات تاریخی ایران، قاجاریه، به کوشش محمدرضا نصیری، تهران، کیهان، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۲۵۸

۲۵ - اکسیر التواریخ، ص ۳۶۹ - ۳۷۰

- ۲۶ - میرزا علی اصفهانی، ص ۲۰۰
- ۲۷ - میرزا داود، ص ۱۰۵
- ۲۸ - فراهانی، ص ۱۶۸
- ۲۹ - محمد ولی میرزا، ص ۲۷۵
- ۳۰ - نایب الصدر، ص ۲۴۲
- ۳۱ - نک: سفرنامه عتبات و مکه، ص ۱۵۹ و ۱۶۰
- ۳۲ - نجم الملك، ص ۱۷۳
- ۳۳ - سفرنامه جزائری، ص ۳۳
- ۳۴ - بزم غریب، ص ۷۶۴
- ۳۵ - دختر فرهاد میرزا، ص ۳۰۲
- ۳۶ - سفرنامه عتبات و مکه، ص ۱۶۳
- ۳۷ - امین الدوله، ص ۶۸
- ۳۸ - امین الدوله، ص ۷۵
- ۳۹ - جزائری، ص ۳۷؛ سفرنامه عتبات و مکه، ص ۱۶۳
- ۴۰ - جزائری، ص ۶۹ و ۷۰
- ۴۱ - جزائری، ص ۳۶؛ سفرنامه عتبات و مکه، ص ۱۶۷
- ۴۲ - ظهیرالملک، ص ۲۵۵
- ۴۳ - نایب الصدر، ص ۱۴۰، و نک: ۱۲۸ و ۱۲۹ در باره اختلاف نظر در این باره.
- ۴۴ - جزائری، ص ۶۸
- ۴۵ - دختر فرهاد میرزا، ص ۲۷۹
- ۴۶ - دختر فرهاد میرزا، ص ۲۸۲
- ۴۷ - نک: محمد ولی میرزا، ص ۲۴۰
- ۴۸ - سفرنامه عتبات و مکه، ص ۱۸۰
- ۴۹ - نجم الملك، ص ۱۸۳
- ۵۰ - نجم الملك، ص ۱۸۴
- ۵۱ - نجم الملك، ص ۱۸۵
- ۵۲ - نجم الملك، ص ۱۸۵
- ۵۳ - سفرنامه منظوم حج، (سفرنامه ایوردی)، ص ۹۲
- ۵۴ - میرزا علی اصفهانی، ص ۲۲۱
- ۵۵ - سفرنامه عتبات و مکه، ص ۱۷۶



- ۵۶- دختر فرهاد میرزا، ص ۲۹۲
- ۵۷- محمد ولی میرزا، ص ۲۳۹
- ۵۸- محمد ولی میرزا، ص ۲۴۱
- ۵۹- فراهانی، ص ۲۱۱- ۲۱۲
- ۶۰- نایب الصدر، ص ۱۶۸
- ۶۱- نایب الصدر، ص ۱۶۹
- ۶۲- میرزا داود، ص ۱۰۵
- ۶۳- میرزا داود، ص ۱۳۹
- ۶۴- امین الدوله، ص ۲۷۰
- ۶۵- امین الدوله، ص ۹۰
- ۶۶- امین الدوله، ص ۲۲۰
- ۶۷- امین الدوله، ۲۲۷
- ۶۸- امین الدوله، ص ۲۴۱
- ۶۹- در باره این سفر اشاراتی هم قزوینی آورده است. بنگرید: یادداشتهای قزوینی، (به کوشش ایرج افشار، تهران، علمی، ۱۳۶۳) ج ۶، ص ۱۱۳- ۱۱۹
- ۷۰- رسائل، اعلامیه‌ها مکتوبات،... و روزنامه‌های شیخ شهید فضل الله نوری، ج ۱، ص ۴۰- ۵۴
- ۷۱- سفرنامه منظوم حج، صص ۲۵- ۷۰
- ۷۲- اعتماد السلطنه، ص ۸۹
- ۷۳- فراهانی، ص ۲۱۱
- ۷۴- مخبر السلطنه، ص ۲۷۲
- ۷۵- ظهیرالملک، ص ۲۳۴- ۲۴۳
- ۷۶- کازرونی، صص ۳۳۵- ۳۴۵
- ۷۷- میرزا علی اصفهانی، صص ۱۵۷- ۱۸۰
- ۷۸- میرزا علی اصفهانی، ص ۱۷۲
- ۷۹- میرزا علی اصفهانی، ص ۱۷۴
- ۸۰- اعتماد السلطنه، ص ۹۳
- ۸۱- اعتماد السلطنه، ص ۹۱
- ۸۲- میرزا داود، ص ۱۷۱
- ۸۳- مخبر السلطنه، ص ۲۷۳
- ۸۴- نجم الملک، ص ۱۸۵

۸۵۔ میرزا داود، ص ۳۷

۸۶۔ میرزا داود، ص ۶۹

۸۷۔ فرہاد میرزا، ص ۱۵۵ - ۱۵۶

۸۸۔ فراہانی، ص ۱۵۶

۸۹۔ سفرنامہ امین الدولہ،

۹۰۔ امین الدولہ، ص ۱۳۵

۹۱۔ فراہانی، ص ۱۷۰